

کلید واژگان: قلاند الدرر، احمد بن اسماعیل جزایری، آیات الاحکام، تفسیر روایی، قرآن.

زندگی نامه جزایری

احمد بن اسماعیل بن عبدالنبی جزایری نجفی (متوفای ۱۱۵۱ ق.) فقیه، محدث، مفسر و از دانشمندان بزرگ امامیه در قرن دوازدهم هجری است. او در نجف اشرف دیده به جهان گشود و در همان دیار بالید. خاندان وی از خاندانهای اصیل عرب و تیره‌ای از قبیله بزرگ و مشهور «بنی اسد» در عراق است.^۱ آنان از سکونت گاه نخست خود (جزایر خوزستان) به نجف هجرت کردند و به سبب وجود عالمان بزرگ در میانشان، از اوایل قرن دهم هجری، جزء خاندانهای شناخته شده و برجسته نجف گردیدند. در *اعیان الشیعه* چنین آمده است: «خاندان جزایری، خاندانی اصیل، اهل دانش و فضل بوده و از نامدارترین بیوتات علمی در نجف می‌باشند».^۲

پیش از علامه احمد بن اسماعیل جزایری و پس از او، عالمانی بزرگ و صاحب تألیف در این خاندان بوده است؛ مانند: علامه شیخ عبدالنبی جزایری (متوفای ۱۰۲۱ ق.) نگارنده کتاب رجالی معروف *حاوی الاقوال*، محمد بن احمد بن اسماعیل جزایری (متوفای بعد از ۱۲۹۹ ق.) فرزند جزایری و شارح کتابهای او، محمدجواد بن شیخ علی جزایری نگارنده *حلّ الطلاس*، *الآراء و الحكم*، علامه محمد بن علی بن کاظم جزایری و....

استادان و شاگردان

از استادان وی در دانش حدیث می‌توان از افرادی همچون محمدصالح خاتون آبادی، ابوالحسن شریف عاملی، محمدقاسم بن محمدصادق استرآبادی و حسین بن عبدالعلی خمیسی نام برد که از آنان اجازه نقل روایت گرفته است.

نگاهی به تفسیر فقهی

قلاند الدرر فی بیان آیات الاحکام بالانثر

□ محسن نورایی^۱

□ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

تفسیر فقهی قلاند الدرر فی بیان آیات الاحکام بالانثر، اثر احمد بن اسماعیل جزایری، فقیه و مفسر بلند آوازه امامیه، در قرن دوازدهم هجری، از آثار ارزشمند امامیه در عرصه تفسیر آیات الاحکام به شمار می‌رود. اهمیت این اثر از تأکید و تکیه فراوان مؤلف آن بر به کارگیری احادیث و آموزه‌های اهل البیت علیهم‌السلام در تفسیر آیات الاحکام نمایان می‌شود. تعامل شایسته جزایری با انبوه روایات وارد شده و ارائه نمونه معتدلی از تفسیر فقهی - روایی، این کتاب را از دیگر آثار مشابه متمایز ساخته است. این، در حالی است که او به ارزش و کارایی ابزارهایی مانند دانش ادب عربی، اصول فقه، علوم قرآن و... در تفسیر آیات الاحکام باور داشته و به نیکی از آنها در تبیین آیات و استنباط احکام سود برده است. در این نوشتار، کوشیده‌ایم تا شیوه جزایری را در تفسیر آیات الاحکام و دیگر ویژگیهای اثر بررسی کنیم.

۱. احمد جزایری، *قلاند الدرر فی بیان آیات الاحکام بالانثر*، نجف، مکتبی النجاج، ج ۱، ص و.

۲. سید محسن امین، *اعیان الشیعه*، تحقیق حسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق.، ج ۲، ص ۴۷۹؛ نیز

ر.ک: جعفر بن باقر آل محبوبه، *ماضی النجف و حاضرها*، ج ۲، ص ۸۱.

افرادی مانند نصرالله مدرس حائری شهید، شبر بن محمد بن ثنوان، محمد بن احمد جزایری و... از شاگردان اویند که عده زیادی از آنان از او اجازه نقل روایت کسب کرده‌اند.

گزارش دانشوران و شرح حال‌نگاران از جزایری، گویای جایگاه علمی وی است. برخی از او با عنوان «خاتمی المجتهدین» و صاحب *حداثق* از او با اوصافی از قبیل «محقق فاضل» یاد می‌کند.^۱

نگاهی به فضای دوران جزایری

با ظهور صفویان در قرن دهم هجری، دو حادثه مهم در جهان اسلام (حداقل در بخش مهمی از آن) پدید آمد:

الف) برقراری ارتباط دوسویه بین ایران و طیف فکری علاقه‌مند به تشیع که از یک سو با هجرت علمای شیعی جبل عامل به ایران^۲ و از سوی دیگر، با توجه مضاعف حکومت صفویه به نجف تحقّق یافت.^۳

ب) نمود بیشتر تقابل موجود میان دو تفکر اخباری و اصولی که در ارزش‌گذاری و میزان اعتماد به احادیث باهم ناسازگار بودند. گروه نخست، پیروز این معرکه بود و توانست برتری نسبی‌اش را در سه قرن متوالی (ده، یازده و دوازدهم هجری) حفظ کند؛ از این رو، آثار زیادی در علوم مختلف با گرایش به تفکر اخباریگری تدوین شد؛ برای نمونه، در قرن دوازدهم، نزدیک به یک صد اثر تفسیری را می‌شناسیم

۱. ر.ک: شیخ آقا بزرگ تهرانی، *طبقات اعلام الشیعه*، تحقیق علی نقی منزوی، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ج ۶، ص ۳۰؛ محقق بحرانی، *الحداثق الناظری فی احکام العتبری الطاهری*، تحقیق محمدتقی ایروانی، قم، انتشارات اسلامی، ج ۶، ص ۳۸؛ همچنین در این باره، ر.ک: محمدعلی مدرس تبریزی، *ریحانی الادب*، ج ۳، ص ۳۵۷؛ ثقی الاسلام تبریزی، *مرآة الکتب*، تحقیق محمدعلی حائری، چاپ اول، مکتبی آیة الله المرعشی، ۱۴۱۴ ق.، ص ۲۳۱؛ محمد غروی، *مع علماء النجف الاشرف*، بیروت، دار الثقلین، ۱۴۲۰ ق.، ج ۱، ص ۳۵۲.

۲. محمد غروی، *مع علماء النجف الاشرف*، ج ۱، ص ۲۵۷.

۳. ر.ک: موسی نجفی، *حوزة نجف و فلسفه تجدد در ایران*، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۴۲.

که بیشتر آنها تفاسیر روایی است.^۱ *قلاند الدرر* نیز یادگاری از این دوران است.

آثار جزایری

از جزایری آثاری به جای مانده است که از مهم‌ترین آنها کتاب *قلاند الدرر فی بیان آیات الاحکام بالاثر* است. وی در دیباچه کتاب، انگیزه خویش را از تألیف آن، چنین بیان می‌کند:

از دیر باز در بسیاری از اوقات اندیشه تألیف آیات الاحکام در سر داشتم. آنچه تحقّق این مهم را به تأخیر می‌انداخت، اهمیت زیادی بود که برای گسترش علوم دینی و آموزش آن به جویندگان این علوم در عصر خویش می‌پنداشتم.^۲

کتاب *الشافعی و تبصری المبتدئین*، دو کتاب دیگر وی است.

جزایری تک‌نگاریهایی نیز دارد که از آنها با نام *مجموعی من الرسائل*^۳ یاد شده که مشتمل بر این رسائل است: «رسالی فی الارتداد و ما یحصل به و تفصیل بعض احکامه»، «رسالی فی ارتداد الزوجی»، «رسالی فی الطهارات الثلاث و قلیل من مسائل الصلای» و «رسالی فی خروج المقیم فی بلد الی حد الترخص». دو رساله دیگر وی، «میزان المقادیر» و «آداب المناظری» نام دارد.

از دیگر آثار وی، حواشی و شروحاتی است که بر کتابهای دیگر نگاشته است؛ از قبیل: *الحواشی علی الصلای*؛^۴ *حاشیه بر کافی*^۵ و *شرح التهدیب*.^۶

حال به معرفی تفصیلی *قلاند الدرر فی بیان آیات الاحکام بالاثر* و بررسی شیوه جزایری در تألیف این کتاب می‌پردازیم.

۱. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، *طبقات مفسران شیعه*، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۸۴.

۲. احمد جزایری، *قلاند الدرر*، ج ۱، ص ۴.

۳. در میان آثار مؤلف، اثری بدین نام وجود ندارد، ولی مرحوم آقابزرگ تهرانی رحمته الله در گزارش خویش از این آثار، عباراتی مانند «توجد فی ضمن مجموعی من رسائله» یا «رأیته ضمن مجموعی من رسائله» آورده است.

۴. این اثر، حاشیه‌ای بر کتاب *الصلای* از سلیمان بن عبدالله سراوی ماحوزی (متوفای ۱۱۲۱ ق.) است.

۵. آقابزرگ تهرانی، *الذریعی*، چاپ سوم، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ ق.، ج ۶، ص ۱۸۱.

۶. همان، ج ۱۳، ص ۱۵۶.

ساختار کلی قلائد الدرر

قلائد الدرر همچون دیگر آثار نگاشته شده در این زمینه، پس از شروع شدن با دیباچه‌ای کوتاه، بر اساس تبویب و ترتیب رایج مباحث در کتابهای فقهی، در هفده بخش (کتاب) به سامان رسیده است. جزایری در آغاز هر بخش، پس از ذکر آیه مورد نظر، نکات ادبی و اختلاف قرائات آن را بررسی می‌کند، سپس با بیان احادیث وارد شده از اهل بیت علیهم‌السلام، به استنباط از آیه می‌پردازد.

او همچنین اقوال و آراء دیگران را نیز یاد می‌کند و پس از بررسی آنها، نظر برتر را بر می‌گزیند.

آقای احمد حسینی در مقدمه کوتاه و گویایی که بر قلائد نگاشته، آورده است: شیوه جزایری چنین است که نخست آیه را یاد و سپس مباحث ادبی مرتبط با آیه را به همراه اختلافات مهم قرائات را بررسی نموده پس از آن به بیان احادیث وارده از اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد. آن گاه به استنباط از آیه روی می‌آورد. او اقوال و آراء دیگران را نیز یاد و پس از بررسی سخن برتر را برمی‌گزیند.^۱

مباحث روایی در میان بخشهای مختلف آن، چشمگیر و برجسته می‌باشد. جمع میان روایات متعارض و ارائه درایت درست حدیثی، این اثر را به منبع ثانویه فقه الحدیث شیعه مبدل کرده است.

گستره آیات الاحکام از نظر جزایری

گرچه قرآن کریم اصلی‌ترین منبع آموزه‌های دین است، شیوه عملی فقیهان در تعیین شمار آیاتی که می‌توان از آنها در استنباط احکام سود جست، یکسان نیست. برای آگاهی از نظر جزایری در این باره توجه به نکاتی که در پی آمده سودمند است.

۱. گستره آیات الاحکام نزد جزایری، تنها به آیاتی که در آن به روشنی از احکام یاد شده، محدود نیست، بلکه هر آیه‌ای که بتوان با ابزار درست استنباط، از آن حکمی را استخراج کرد، داخل در آیات الاحکام است؛ برای نمونه، وی با

۱. احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۱، ص ۵.

استناد به آیه **﴿و جعلنا لکم فیها معاش و من لستم له برازقین﴾**^۱ می‌نویسد:

از این آیه آشکار می‌شود که زمین، محل معاش و ارتزاق است و تمام تصرفات و بهره‌برداری از امکانات آن، به هر شکل [جز در مواردی که دلیل بر ممنوعیت آن داشته باشیم] رواست.^۲

وی در ذیل آیه **﴿و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل ربنا تقبل منا ائکم أنت السميع العليم﴾**^۳ می‌نویسد: «آیه بر استحباب دعا کردن پس از عبادت و یا میان آن دلالت می‌کند».^۴

۲. جزایری با اعتقاد به اعتبار قوانین ادیان پیشین در اسلام می‌نویسد:

تمام آنچه خداوند بزرگ از ادیان پیشین بازگو کرده، معتبر است و ما به پذیرش آنها ملزم می‌باشیم، جز در مواردی که با دلیلی ویژه استثنا شده باشد.^۵

از این رو، جزایری با استناد به آیات قصص انبیاء علیهم‌السلام نیز به استنباط احکام می‌پردازد؛ برای نمونه، ذیل آیه **﴿قال ائی ارید ان اُنکحک احدی ابنتی هاتین علی ان تأجرنی ثمانی حجج﴾**^۶ می‌نویسد: «این آیه بر مشروع بودن اجاره دلالت می‌کند».^۷

۳. جزایری در کتاب *قلائد الدرر* از میان هفتاد سوره قرآن، تقریباً ۳۲۷ آیه را به عنوان آیات الاحکام برگزیده و به استنباط احکام شرعی و مباحث پیرامون آن پرداخته است. از این تعداد، ۲۳۳ آیه در سوره‌های مدنی قرار دارد.

منابع استنباط فقهی جزایری

جزایری از منابع چهارگانه (کتاب، سنت، عقل و اجماع) در استنباط احکام و تحکیم آن سود می‌برد به گونه‌ای که بیشترین استفاده وی از سنت است. وی

۱. حجر / ۲۰.
۲. احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۲، ص ۱۲۸ و ۲۱۰.
۳. بقره / ۱۲۷.
۴. احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۲، ص ۱۲۳.
۵. همان، ص ۳۰۷.
۶. قصص / ۲۷.
۷. احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۲، ص ۳۰۳ و ۳۰۷.

همچنین از دانشهایی مانند اصول فقه نیز استفاده می کند.

کتاب

پیش از بیان چگونگی بهره گیری جزایری از قرآن در استنباط احکام، نخست شیوه او در نقل آیات گزارش می گردد. جزایری در بیشتر موارد، آیه مورد نظر را به صورت کامل می نگارد، اما در برخی موارد، آیه را به طور خلاصه ذکر می کند^۱ و گاهی نیز آیات را با توضیحات تفسیری آنها به صورت مزجی می آورد؛ برای نمونه، در موردی چنین نگاشته است: «یا أيها النبی قل لأزواجک إن کنتن تردن الحیوة الدنیا وزینتها -أی السعی و النعم فیها- فتعالین أمتعنن -أی أعطینکن متعی الطلاق- و أسرحنن سراحاً جمیلاً -أی فراقاً بلا مشاجری»^۲

مقدار مراجعه و چگونگی بهره گیری جزایری از آیات در مقایسه با احادیث متفاوت است،^۳ اما می توان گفت، وی به گونه ای شایسته از آیات قرآن در استنباط احکام استفاده کرده است؛ شیوه هایی از قبیل استناد به تصریح، تمسک به اطلاق آیه، ارجاع به عموم آیه و....

۱. استناد به دلالت صریح آیه

از گونه های بهره گیری جزایری از قرآن، استناد به دلالت صریح آیه است. وی ذیل آیه «لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر أولی الضرر»^۴ می نویسد: «آیه صریحاً بر برتری و فضیلت جهاد دلالت دارد»^۵. همچنین ذیل آیه «و ویل للمشرکین الذین لایؤتون الزکاة»^۶ می گوید: «این آیه به طور صریح بر وجوب زکات برای کافران

۱. برای نمونه: «یا أيها النبی إنا أطلننا لك أزواجک اللاتی -إلی قوله- و امرأة مؤمنة» (ر.ک: احمد جزایری، *قلاند الدرر*، ج ۳، ص ۲۰۴، ۲۵۴، ۲۸۴ و ۳۱۱).
۲. همان، ج ۲، ص ۲۹۶، ۲۹۷ و ۳۰۴؛ ج ۳، ص ۱۹۷ و ۲۰۲.
۳. موضوع کتاب، اوضاع فرهنگی هنگام تدوین اثر، ساختار فکری جزایری و... هر یک ممکن است پاسخگوی بخشی از چرایی این واقعیت باشد.
۴. نساء/ ۹۵.
۵. احمد جزایری، *قلاند الدرر*، ج ۲، ص ۱۴۲.
۶. فصلت/ ۷۶.

دلالت می کند»^۱.

۲. تمسک به اطلاق آیه

جزایری در استنباط احکام از اطلاق آیه بسیار استفاده می کند؛ برای نمونه، ذیل آیه «لاتأکلوا أموالکم بینکم بالباطل»^۲ نگاشته است:

از اطلاق آیه می توان دریافت که رضایت دو طرف معامله بدون نیاز به عقد، سبب حصول ملکیت است؛ خواه مورد معامله، کوچک باشد یا چیزی باارزش. اطلاق آیه «أحل الله البیع و حرّم الربا»^۳ نیز نمونه دیگری از این دلالت است.^۴

همچنین در پی آیه «قاتلوا الذین یلونکم من الکفار»^۵ می آورد:

با استناد به اطلاق این آیه و آیات دیگر، می توان گفت، نبرد با کافران و کشتن آنان حتی بدون حضور امام عادل واجب است، اما روایات مستفیضه و اجماع علما، گویای آن است که جهاد جز با حضور و اجازه امام ع روا نیست.^۶

۳. استناد به عموم آیه

جزایری به دنبال آیه «فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع»^۷ آورده است:

از عموم آیه استفاده می شود که جواز ازدواج با تعداد یادشده از زنان، عمومیت دارد و به زانی با خصوصیتی معین مقید نیست، مگر زانی مانند کافر و ناصبی که با دلیل خاص، ازدواج با آنان روا نیست.^۸

سنت

سنت، از منابع مهم مؤلف *قلاند الدرر* در تفسیر آیات و استنباط احکام فقهی از

۱. احمد جزایری، *قلاند الدرر*، ج ۱، ص ۱۳۵، ۲۶۵؛ ج ۲، ص ۱۴۲، ۲۴۷؛ ج ۳، ص ۲۸.
۲. نساء/ ۲۹.
۳. بقره/ ۲۷۵.
۴. احمد جزایری، *قلاند الدرر*، ج ۲، ص ۲۳۷.
۵. توبه/ ۱۲۳.
۶. احمد جزایری، *قلاند الدرر*، ج ۱، ص ۳۴۲؛ ج ۲، ص ۳۲ و ۱۵۳.
۷. نساء/ ۳.
۸. احمد جزایری، *قلاند الدرر*، ج ۳، ص ۵۴ و ۲۹۹.

۱۰۸

۱۰۷

آنهاست. کمیت و کیفیت استفاده از اخبار تا بدانجاست که برخی عالمان، اساساً تفاوت برجسته و امتیاز *قلائد الدرر* را در مقایسه با دیگر کتابهای آیات الاحکام، برجستگی بُعد روایی آن می‌دانند.^۱ تطبیق مباحث روایی این اثر با آثار همانند، مانند *کنز العرفان*، *فقه القرآن* راوندی و *زبدی البیان* اردبیلی، از برتری آن بر دیگر آثار در زمینه مباحث روایی حکایت دارد. جزایری نه تنها در تبیین آیات و استنباط احکام، حتی در ادبیات، علوم قرآنی و مباحث دیگر، به اخبار تکیه می‌کند.

جایگاه سنت نزد جزایری

جزایری به جایگاهی بس والا و محوری برای احادیث اهل بیت *علیهم السلام* معتقد است. آنان را معدن و خزانه وحی و دانش الهی و سخنان ایشان را مبین معارف قرآنی می‌داند.^۲ او به وجود دانش حقیقی و رمزهای تأویل قرآن در نزد آنان تأکید می‌ورزد؛^۳ بدین سبب، می‌گوید:

باید برداشتها در مسائل دینی نه از روی «تَشَهّی» و خودسرانه، بلکه همراه تلقی و دریافت از امامان معصوم *علیهم السلام* باشد.^۴

وی علاقه‌مندی شخصی و ارادت قلبی خویش به ایشان را نیز در میان مباحث کتابش بازگو کرده است.^۵

پایندی عملی به احادیث به صورت کاملاً روشنی در سراسر کتاب *قلائد الدرر* نمایان است. اشتغال تقریباً نیمی از حجم کتاب به نقل و تبیین احادیث، گویای این مطلب است. وی از احادیث در تمام مباحث کتاب مانند مباحث تفسیری، علوم قرآنی، فقهی و ادبی سود می‌برد؛ بنابراین، می‌توان گفت، مؤلف در *قلائد الدرر* توانسته است نمونه خوبی از تفسیر آیات الاحکام را با تکیه بر روایات تدوین کند.^۶

۱. کاظم مدیر شانه‌چی، *آیات الاحکام*، سمت، ۱۳۷۸ ش، ص ۶.

۲. احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۲، ص ۱۶۷؛ ج ۳، ص ۳، ج ۳، ص ۶۶، ۳۲۷، ۴۰۹ و ۴۲۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۶۷؛ ج ۳، ص ۳۰۷ و ۲۰۹.

۴. همان، ج ۳، ص ۶۶.

۵. ر.ک: همان، ج ۲، ص ۱۷۱.

۶. احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۱، ص ۴.

دامنه استناد به سنت گسترده است. این توسعه تا آن جاست که رفتار و سیره معصومان *علیهم السلام* را نیز دربرمی‌گیرد؛ برای مثال، جزایری به دنبال آیه «إِذَا تَدَايَنْتُمْ بَدِينِ إِلَى أَجَلٍ مَّسْمُومٍ»^۱ نگاشته است:

آیه بر احکام زیادی دلالت دارد. نخستین آن، روا بودن قرض دادن و قرض گرفتن است. ثابت شده است که پیامبر *صلی الله علیه و آله* و امام حسن *علیه السلام* و امام حسین *علیه السلام* پس از رحلت، مقروض بودند. بالجمله می‌توان گفت، ثبوت جواز دین و انجام آن از سوی اهل بیت *علیهم السلام* تردیدناپذیر است.^۲

همچنین بعد از آیه «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا»^۳ آورده

است:

این بخش از آیه «فأصلحوا بینهما» بر وجوب اصلاح و نصیحت کردن دو گروه از مؤمنان در مراحل اولیه اختلاف با یکدیگر دلالت می‌کند.... عملکرد حضرت علی *علیه السلام* در برخی از جنگها نیز بر این امر دلالت دارد.^۴

جزایری در تبیین آیات از ادعیه مأثور، مانند دعای عرفه سالار شهیدان *علیه السلام* و خطب امیرالمؤمنین *علیه السلام* نیز بهره گرفته است.^۵

چگونگی تعامل جزایری با احادیث

الف) روایة الحدیث

شیوه جزایری در روایت حدیث بر دقت در نقل، ذکر منبع و بیان سلسله سند استوار است. در بیشتر موارد، متن روایت را کامل و گاه به گونه تلخیص، تقطیع و نقل به معنا گزارش می‌کند.

۱. دقت در نقل روایت: مراجعه به مصادر مختلف روایی، نشانگر دقت

جزایری و ارزشمندی گزارشات اوست. وی در پاره‌ای از موارد، پس از ملاحظه

۱. بقره/ ۲۸۲.

۲. احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۲، ص ۲۵۵ و ۷۷.

۳. حجرات/ ۹.

۴. احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۲، ص ۱۶۷.

۵. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۵۳.

منابع مختلف روایی، حدیث را گزارش می‌کند؛ برای نمونه، ذیل روایت «و قال فی بعض القراء فی حافظوا علی الصلای الوسطی، صلاهی العصر» می‌نویسد:

در کافئ^۱ و الفقیه^۲ عبارت «صلای العصر» بدون «واو» آمده است، اما آنچه در تهذیب آمده، «و صلاهی العصر» است؛ یعنی با «واو» آمده است...؛ بنابراین، این تعبیر، نوعی تشویق برای نماز عصر است، نه اینکه این نماز، همان «صلای الوسطی» باشد.^۳

همچنین ذیل روایت «... ما زنی إلا شقی» در ضبط واژه «شقی» می‌نویسد: «نقله کثیر بالقاف بعد الشین ثم الیاء المشدّدی و ضبطه ابن ادریس فی السرائر بالفاء ثم الألف المقصوری»^۴.

جزایری گاه اختلاف در نسخه‌های یک منبع را نیز یادآور می‌شود؛ برای نمونه، ذیل روایتی می‌نویسد: «ما همانند عدّه زیادی از دانشمندان، روایت را صحیح دانستیم؛ زیرا آنچه در بیشتر نسخه‌های تهذیب و من لا یحضره الفقیه دیدم...»^۵.

۲. ذکر منبع روایت و بیان سلسله سند: از امتیازات قلائد الدرر، یادکرد نشانی نزدیک به هفتاد منبع است که از آنها روایت نقل شده است. تعداد سی منبع، از کتابهای حدیثی است. جزایری در بخشهای مختلف کتاب از این منابع بهره گرفته است. این عمل، با توجه به دوران حیات مؤلف (قرن ۱۲ ق.) و کارآمدی این شیوه، شایسته توجه و سازماندهی است و در مواردی که نام منبعی را نمی‌برد، می‌توان تا حد زیادی آن را به سبب اجازات فراوان روایی مؤلف، معتبر دانست. جزایری در بیشتر موارد، سند احادیث را نیز ذکر می‌کند.^۶

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.، ج ۳، ص ۲۷۲.
۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.، ج ۱، ص ۱۹۶.
۳. احمد جزایری، قلائد الدرر، ج ۱، ص ۸۳.
۴. شقی: کم، اندک.
۵. همان، ج ۳، ص ۶۷؛ نیز ج ۲، ص ۶۹.
۶. همان، ج ۳، ص ۲۵۱؛ نیز ر.ک: ج ۱، ص ۲۵۵.
۷. ر.ک: همان، ج ۳، ص ۳۵۲.

۳. گزارش کامل متن روایت: جزایری در بیشتر موارد، متن روایت را به صورت کامل گزارش می‌کند. این روش، خود، شیوه‌ای پسندیده و در برخی موارد، ضروری است؛ زیرا چه‌بسا صدر یا ذیل روایت، در دریافت درست مقصود روایت نقش محوری دارد و تقطیع آن، خواننده را دچار مشکل می‌سازد. یک نمونه از این نوع گزارشهای حدیثی در قلائد الدرر چنین است:

و فی الکافی عن الربیع بن خثیم قال: شهدت أبا عبدالله عليه السلام وهو يطاف به حول الكعبي في محمل وهو شديد المرض. فكان كلما بلغ الركن اليماني، أمرهم فوضعوه في الأرض، فأخرج يده من كوى المحمل حتى يجزها على الأرض، ثم يقول: ارفعوني. فلما فعل ذلك مراراً في كل شوط، قلت له: يا ابن رسول الله! إن هذا يشقّ عليك. فقال عليه السلام: إني سمعت الله تعالى يقول: «ليشهدوا منافع لهم». فقلت: منافع الدنيا أو منافع الآخرة؟ فقال: «الكل»^۱.

جزایری البته در برخی از موارد، در نقل حدیث شیوه دیگری را مانند تلخیص و تقطیع احادیث برگزیده است؛ برای نمونه، در موضعی آورده است: «فی حدیث طویل یقول فی آخره...»^۲ و ی در جای دیگر نوشته است: «فی حدیث طویل عن علی عليه السلام قال: سمعت حبیبی... حتی جار علی باب أحدکم...»^۳ او همچنین گاهی احادیث را نقل به معنا می‌کند؛ مانند: «مما رواه ابن بابويه عن نسيط أن المرأى إذا صامت...»^۴ وجود منقولات روایی از فریقین، از دیگر نکات جالب توجه در بخش روایی الحدیث کتاب قلائد الدرر است.^۵ این امر، بیانگر روحیه محققانه و به دور از تعصب مؤلف است. در میان احادیث منقول از منابع شیعی، تقریباً از همه امامان معصوم عليهم السلام روایت نقل کرده است.^۶

از ویژگیهای قلائد الدرر نقل احادیث فراوان و متعارض در یک موضوع است.

۱. همان، ج ۲، ص ۱۹.
۲. ر.ک: همان، ج ۲، ص ۱۴۰.
۳. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۹۹؛ ج ۳، ص ۳۶۵.
۴. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۳۳۹؛ ج ۲، ص ۹۰؛ ج ۳، ص ۸ و ۲۲۵.
۵. برای نمونه، ر.ک: همان، ج ۱، ص ۸۴ و ۲۳۸؛ ج ۳، ص ۶۸ و ۱۸۲.
۶. برای نمونه، ر.ک: همان، ج ۱، ص ۲۸، ۲۳۶، ۲۳۸ و ۳۲۹؛ ج ۲، ص ۱۹۹ و ۲۳۱؛ ج ۳، ص ۴۲ و ۴۲۴.



میزان اطلاع وی از احادیث فراوان و متنوع، ستودنی است. میزان توانمندی و موفقیت او در جمع میان احادیث و ارائه تصویری درست از آنها بحثی جدا و نیازمند مجالی دیگر است. جزایری در تفسیر آیه «فمن عفی له من أخیه شیء فاتّباع بالمعروف و أءاء إلیه بإحسان»^۱ با ذکر قولی از مرحوم طبرسی که بیانگر قول اکثر مفسران نیز هست، می نویسد:

روایات فراوانی گویای این مطلب است؛ مانند صحیحۀ عبدالرحمان از امام صادق علیه السلام... و صحیحۀ ابی ولاد... و همانند آن، روایت زراره و دیگران. در این باره، روایات مخالف دیگری نیز وجود دارد؛ مانند صحیحۀ ابی ولاد حنات... و صحیحۀ جمیل بن دراج... و اخبار دیگر.^۲

جزایری در تعیین مقدار دیۀ اهل کتاب، ذیل آیه «وما کان لمؤمن أن یقتل مؤمناً إلا خطأ»^۳، پس از نقل نظر مشهور می نویسد:

اخبار زیادی بر این مطلب دلالت می کند؛ مانند صحیحۀ ابویصیر و موثقه سماعه و... اخبار مخالف دیگری نیز در این باره در دست است. در برخی از روایات دیۀ اهل کتاب، همچون دیۀ مسلمان تعیین شده است. در برخی دیگر، چهار هزار درهم و در روایات دیگری، کشته شدن مسلمان در برابر قتل ذمی بیان شده است...^۴

ب) فقه الحدیث

تلفی و ارائه مراد حقیقی از احادیث، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ از این رو، در کلام امامان معصوم علیهم السلام فهم درست یک روایت از نقل چندین حدیث بالاتر دانسته شده است.^۵ در مباحث مختلف حدیثی *قلائد الدرر*، حضور و پویایی جزایری برای ارائه درایت درستی از حدیث به چشم می خورد که در اکثر موارد موفق بوده است. وی برای دست یابی به درایت حدیث از شیوه های گوناگون فقه الحدیثی سود می برد؛ شیوه هایی از قبیل:

۱. بقره / ۱۷۸.

۲. احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۳، ص ۴۰۷.

۳. نساء / ۹۲.

۴. برای نمونه، ر.ک: احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۳، ص ۴۱۲.

۵. محمد بن ابراهیم نعمانی، *الغیبه*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، مکتبی الصدوق، ص ۱۴۱.

۱. تعیین زبان روایت؛
۲. توجه به فضای صدور روایت؛
۳. تکیه بر قرائن خارجی خبر.

۱. تعیین زبان روایت: پاسخ درست به این پرسش که آیا یک روایت در صدد بیان حکم واقعی است، یا اینکه مراد معصوم علیه السلام از روایت چیست، می تواند شخص را به دریافت صحیح از روایت هدایت کند. جزایری در پی یافتن جواب سؤالاتی از این قبیل، در شماری از احادیث، زبان صحیح روایت را در معنایی غیر از منطوق آنها می داند؛ برای نمونه، مراد حقیقی در حدیثی از حضرت امام رضا علیه السلام را که در پاسخ به خرده گیری دیگران راجع به پذیرش ولایت عهدی، به داستان حضرت یوسف علیه السلام تکیه می کند، چیزی غیر از ظاهر آن می داند و می نگارد:

استشهاد حضرت امام رضا علیه السلام به کار حضرت یوسف علیه السلام تنها برای ساکت کردن خصم است؛ زیرا منصب حکومت برای ایشان از جانب خداوند و از طریق اجداد طاهرینش به ایشان رسیده است و به پذیرش آن از جانب مأمون نیازمند نیست.^۱

۲. توجه به فضای صدور حدیث: از نکات مورد توجه جزایری در فقه الحدیث، توجه به فضای صدور حدیث است. حضرت امام رضا علیه السلام در جواب چگونگی تقسیم ارث فردی که جز همسر، وارثی ندارد، تمامی اموال را از آن زن می داند. برخی از دانشمندان بزرگ، مانند ابن بابویه و شیخ در نهاییه و علامه در یکی از آثارش و شهید اول، حکم در روایت را بر زمان غیبت امام معصوم علیه السلام حمل کرده اند. جزایری این حمل را نادرست می داند و می نویسد:

این حمل در نهایت بعد است؛ زیرا خبر منقول از امام زنده می باشد و هیچ قرینه ای در دست نیست تا آن را بر زمان غیبت حمل کنیم.^۲

جزایری درباره ناهماهنگی بین احادیث مربوط به قرائن تشخیص قبله و برای زدودن اختلاف و جمع میان آنها چنین احتمال می دهد و می نویسد:

قرینه موجود در حدیث نخست، برای اهل کوفه و نشانه بعدی برای تمام نقاط

۱. احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۴۰.



عراق است؛ زیرا راوی حدیث نخست، کوفی است.^۱

۳. تکیه بر فراین خارجی خبر: توجه به برخی قرینه‌ها و واقعیت‌های خارجی در ارائه تصویری درست از روایت، بسیار مفید است. جزایری نیز در درایت حدیث به قرائن خارجی تکیه می‌کند؛ برای نمونه، در بحث یافتن جهت قبله این پرسش مطرح است که در یافتن سمت قبله، تا چه اندازه دقت لازم است؟ برخی بر این باورند که در یافتن سمت قبله، سخت‌گیری فراوان نشده است، بلکه نوعی آسان‌گیری و توسعه در این امر وجود دارد. جزایری نیز بر این نظر است. او ادله و مؤیداتی برای اثبات نظر خود می‌آورد و می‌نویسد:

وجود اختلاف میان قبله مسجد کوفه و مسجد سهله و قبور امامان علیهم‌السلام بر درستی سخن ما گواه است. پذیرش اشتباه قبله برخی از این مکان‌های یادشده، پنداری نارواست؛ زیرا انگیزه‌ای برای تحریف وجود ندارد و این مکانها در زمان امامان علیهم‌السلام و اصحاب ثقه با همین حال وجود داشته و در این باره، معنی صورت نگرفته است.^۲

همچنین در ذیل روایتی تفسیری که مراد از آیه «قاتلوا الذین یلونکم من الکفار»^۳ را مردم سرزمین دیلم می‌دانند، می‌گوید:

ظاهراً مراد زمان امام صادق علیه‌السلام است، نه هنگام نزول آیه؛ زیرا دیلم در سرزمینهای فارس قرار دارد و مردم این سرزمین، در زمان نزول آیه، به لحاظ موقعیت جغرافیایی، نزدیک مسلمانان نبودند تا مراد از «یلونکم» باشند؛ بر اساس این، روایت را باید روایتی تأویلی دانست.^۴

سنجش و ارزش‌گذاری احادیث

سنجش ضابطه‌مند اخبار، تنها با در دست داشتن اصول و قواعد پذیرفته‌شده علمی ممکن است؛ بنابراین، گزارش میزان اطلاع مؤلف از این ضوابط و چگونگی استفاده و ارائه نمونه عملی آن از سوی وی، در معرفی کتاب ضروری است؛ از این

۱. همان، ج ۱، ص ۱۱۷ و ج ۳، ص ۳۱۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۱۷.

۳. توبه / ۱۲۳.

۴. احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۲، ص ۱۵۲؛ ج ۳، ص ۹۲.

رو، عوامل تضعیف و تقویت احادیث را از نظر جزایری ذکر می‌کنیم.

عوامل تضعیف حدیث

از نظر جزایری، عوامل تضعیف حدیث دو گونه است:

الف) ضعف سندی؛

ب) ضعف دلالی.

الف) ضعف سندی روایات: جزایری، ضعف سندی روایات را در سه چیز می‌داند:

یک. ناشناخته بودن راوی؛

دو. اشتراک راویان حدیث؛

سه. ارسال در سلسله سند روایت.

یک. ناشناخته بودن راوی: جزایری در کتاب حج پس از نقل یک روایت می‌نویسد: «در سلسله سند این روایت محمد بن احمد علوی وجود دارد که فردی ناشناخته (مجهول) است؛ بنابراین، روایت شایستگی تقیید قرآن را ندارد».^۱ وی در ذیل حدیثی دیگر می‌آورد: «این روایت با وجود جهالت در سند و ایرادهای دیگر بر ادعای یادشده دلالت روشنی ندارد و قبول آن، اکل از قفاست».^۲

دو. اشتراک راویان حدیث: جزایری در بحث میراث و پس از نقل روایتی می‌آورد: «از ایرادهای این روایت آن است که سند درستی ندارد، بعلاوه، در سند روایت، حسن بن موسی وجود دارد که نامی مشترک است».^۳

سه. ارسال در سلسله سند روایت: پیوسته نبودن آخرین فرد سلسله سند به معصوم علیه‌السلام از ایرادهای سندی روایات است که از آن به ارسال در سند تعبیر می‌شود که جزایری در توجیه روایات، به ارسال سند آنها نیز توجه داشته است.^۴

ب) ضعف دلالی روایات: برای ضعف دلالی روایات، مواردی در *قلائد الدرر*

۱. همان، ج ۲، ص ۴۷.

۲. همان، ص ۳۷.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۳۴.

۴. ر.ک: همان، ص ۱۸.

بیان شده است؛ از قبیل: یک. مخالفت با ظاهر کتاب و اخبار مستفیضه؛ دو. اضطراب متن حدیث.

یک. مخالفت با ظاهر کتاب و اخبار مستفیضه: ناهماهنگی مفاد یک خبر با ظاهر قرآن کریم و دیگر احادیث، بیانگر نادرستی آن است؛ از این رو، جزایری ذیل روایتی می‌نویسد:

در نادرستی استناد به روایت باید گفت، روایت مخالف ظاهر قرآن و اخبار مستفیضه است...؛ از این رو، عمل بدان شایسته نیست.^۱

وی در جایی دیگر می‌نویسد:

در برخی اخبار چنین آمده است که زن غیر مدخول، پس از مرگ شوهرش نباید عده نگه دارد. این سخن، مخالف ظاهر قرآن است؛ از این رو، شایستگی تخصیص زدن اخبار دیگر را ندارد.^۲

دو. اضطراب در متن حدیث: ناهمسازی در قالب و محتوای خبر، در برخی از موارد، گویای نادرستی آن است که نگاه کنجکاوانه و تیزبین محدث باید آن را بیابد. جزایری در نادرستی نظر حرمت ازدواج موقت که اهل سنت با تکیه بر احادیثی بدان باور دارند، می‌نویسد:

اجماع اهل بیت علیهم‌السلام و مسلمانان بر روا بودن ازدواج موقت استوار است و در مشروعیت آغازین آن نزاعی نیست. خصم می‌گوید، مشروعیت اولیه، نسخ شده است که بر اساس این، ادعای ثبوت جواز، نوعی درایت است و دعوی نسخ، روایتی است که عامه، مدعی آن است و روایت، توان مقابله با این درایت را ندارد. افزون بر این، گزارشهای آنان نیز همسان نیست و بین آنها با یکدیگر منافات وجود دارد. پس چگونه می‌توان به روایاتی با چنین اضطرابی تکیه کرد؟ گزارشهای آنان از نسخ نیز مضطرب است. در برخی از روایات آنان، نسخ این حکم در جنگ خیبر و در برخی دیگر، اباحه و نسخ آن در حجی الوداع گزارش شده است...^۳

۱. همان، ص ۲۴۳.

۲. همان، ص ۲۴۹.

۳. همان، ص ۶۹.

عوامل تقویت حدیث

جزایری افزون بر عوامل تضعیف حدیث، عوامل تقویت آن را نیز بیان می‌کند. این عوامل عبارت است از:

۱. صحت سند و فقدان معارض؛

۲. کثرت اخبار و موافقت با ظاهر کتاب؛

۳. دلالت صریح.

۱. صحت سند و فقدان معارض: جزایری در کتاب حج، پس از نقل روایات

مختلف در این باره می‌نویسد:

کوتاه سخن اینکه سند روایت زراعه، صحیح و دلالت آن بر مطلب، روشن است. افزون بر این، این روایت، معارضی نیز ندارد؛ از این رو، عمل کردن بدان صحیح است.^۱

۲. کثرت اخبار و موافقت با ظاهر کتاب: جزایری در گزینش نظر برتر از

میان اقوال مختلف در مکان قربانی کردن فرد حاجی محصور می‌نویسد:

به نظر، قول اکثر ظاهرتر است. مستند روایی این نظر به سبب کثرت اخبار، دلالت روشن و توافق آن با ظاهر قرآن، بر دیگر روایات برتری دارد.^۲

البته یادآوری می‌شود روشن است که کثرت روایت در یک موضوع، به تنهایی

دلیل درستی روایات در آن موضوع نیست.

۳. دلالت صریح: دلالت صریح روایت در کنار دیگر معیارهای صحت خبر،

روشن‌ترین عامل تقویت حدیث است. مؤلف *قلائد الدرر* در ذیل حدیثی می‌نویسد:

«این روایت از حیث سند، صحیح و دلالت آن، صریح است؛ بنابراین، عمل بدان درست است».^۳

جزایری همچنین عمل مشهور به یک روایت را مُنجبر ضعف آن می‌داند و در

ذیل روایتی می‌نویسد: «گرچه این روایت ضعیف است...، با عمل اصحاب، ضعف

۱. همان، ج ۲، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۳ و ۴۶.

۳. همان، ص ۳۲ و ۵۰.



آن جبران می‌گردد»^۱ وی همچنین می‌نویسد: «گرچه روایت ضعیف است، ضعف آن به سبب عمل اصحاب به مضمون آن بر طرف می‌شود»^۲.
 اجماع، عامل دیگر انجبار ضعف روایت نزد جزایری است. وی پس از ذکر دو خبر ضعیف می‌نویسد: «گرچه سند این دو روایت، مجهول و در نتیجه، روایاتی ضعیف‌اند، این ضعف با عمل اصحاب، بلکه اجماع آنان زدوده می‌شود»^۳.

مبانی تفسیری جزایری در قلائد الدرر

در قلائد الدرر همانند دیگر کتابهای تفسیری از مبانی شناخته شده و شیوه‌های مورد تأیید برای تبیین مفاد آیات استفاده شده است. مبانی تفسیری جزایری عبارت است از: به کارگیری علوم ادبی، تفسیر قرآن به قرآن، استفاده از سیاق، ظاهر و بطن آیات، تکیه بر احادیث، توجه به علوم قرآنی، گزارش اقوال مفسران و استفاده از علم منطق.

۱. به کارگیری علوم ادبی در تفسیر و تبیین آیات

جزایری برای تفسیر آیات و تبیین مراد آنها، از یک طرف با تکیه بر بیش از ده منبع واژه‌شناسی و از سوی دیگر، با اعمال نظر و اجتهاد، می‌کوشد تا تصویری روشن از مفهوم واژگان موجود در آیه را به دست دهد؛^۴ به گونه‌ای که گستره واژه‌شناختی کتاب، ارائه شواهدی روایی برای تأیید معنای واژه قرآنی را نیز دربرمی‌گیرد.
 وی همچنین در تبیین آیات، از صرف و نحو نیز بهره برده است؛ برای نمونه، ذیل آیه «الحجّ أشهر معلومات»^۵ می‌نویسد:

واژه «حج» مبتدا و مضاف آن، محذوف است که پیش از حذف مضاف، جمله چنین بوده است: «أشهر الحج» یا «زمان الحج» و کلمه «أشهر» خبر برای مبتدای

یادشده است. حذف مضاف برای آن است تا حمل «أشهر» که جمع است بر کلمه «حج» که مفرد است، روا باشد؛ مانند این سخن ادیبان که گفته‌اند: «البرد شهران». همچنین می‌توانیم بگوییم، تقدیر جمله چنین است: «الحجّ حجّ أشهر». در این فرض می‌گوییم اضافه، بر اساس اتّساع است، بلکه پذیرش این حمل حتی بدون پذیرفتن حذف نیز ممکن است که در آن صورت، جمله نوعی از مجاز خواهد بود.^۱

بخشی از موفقیت مفسّر در گرو استفاده از علوم بلاغی می‌باشد؛ زیرا وجوه بلاغی از ابعاد اعجاز قرآن است و بهره‌مندی از اطلاعات گسترده و عمیق بلاغی در تبیین مفاد آیات ضروری است. جزایری نیز به این مهم توجه داشته است.^۲ وی در مقدمه کتابش می‌نویسد:

از آن رو که قرآن به زبان عربی است و در این زبان، انواع فنون و صنایع ادبی وجود دارد و قرآن کریم نیز از آن فنون به شایسته‌ترین وجه استفاده کرده و بر فراز بلندترین قلّه‌های بلاغت و فصاحت ایستاده است، دریافت کامل معارف و احکام آن برای تک تک مسلمانان میسر نیست...^۳

۲. تفسیر قرآن به قرآن

از شیوه‌هایی که جزایری در تفسیر آیات از آن سود می‌برد، تفسیر قرآن به قرآن است. این اسلوب از شیوه‌های کارآمد در تبیین و تفسیر آیات است. درباره این شیوه تفسیر گفته شده است:

بهترین و کارآمدترین شیوه تفسیر قرآن که شیوه تفسیر اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز هست، روش خاصی است که به تفسیر قرآن به قرآن مرسوم شده است. در این روش، هر آیه از قرآن کریم با تدبّر در سایر آیات قرآن و بهره‌گیری از آنها باز و شکوفا می‌شود.^۴

یادآوری می‌شود که گونه‌های مختلفی از تفسیر قرآن به قرآن در قلائد الدرر

۱. احمد جزایری، قلائد الدرر، ج ۲، ص ۵۲.
۲. همان، ج ۳، ص ۱۶۷.
۳. همان، ج ۱، ص ۳.
۴. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، اسراء، ج ۱، ص ۶۱.

۱. همان، ص ۴۶.
۲. همان، ج ۳، ص ۲۶.
۳. همان، ج ۲، ص ۹۲.
۴. همان، ج ۳، ص ۳۵.
۵. بقره/ ۱۹۷.

وجود دارد؛ مانند: تبیین معنایی یک آیه با آیه دیگر،^۱ تحکیم استنباط فقهی حاصل از یک آیه با آیه دیگر،^۲ تخصیص عموم یک آیه با آیه دیگر^۳ و....

۳. ظهر و بطن آیات

جزایری برداشت معانی متعدّد از یک آیه را روا می‌داند؛ زیرا معتقد است آیات قرآن دارای ظهر و بطن است که با به‌کارگیری شیوه درست در تفسیر، می‌توان به بطن آیه (لایه‌های معنایی غیر آشکار) دست یافت. وی در این باره می‌نویسد:

حمل آیه بر معانی مختلف و اراده تمامی آنان استبعاد ندارد؛ زیرا همان گونه که در روایات آمده: «القرآن ذو وجوه».^۴

وی همچنین پس از پذیرفتن معانی متعدّد یک آیه و مستند روایی آن می‌نویسد:

می‌توان پذیرفت تمامی معانی مستند و مختلف یادشده اراده شده باشد؛ گو اینکه در آیات دیگر نیز چنین کاری رواست؛ زیرا ائمه ما علیهم‌السلام فرموده‌اند: «برای قرآن ظهري است و بطني».^۵

از این رو به نظر می‌رسد جزایری، به سبب جواز برداشت معانی متعدّد از آیات، روایات تأویلی را نیز در تفسیر آیات به کار می‌برد. البته روایات تأویلی را معنای یگانه آیه تلقی نمی‌کند و آن را با تفسیر در هم نمی‌آمیزد؛ از این رو، این روایات را به صورت مجزاً و در پایان بحث مربوط ذکر می‌کند.^۶

۴. به‌کارگیری دانش منطق در تفسیر و تبیین آیات

جزایری برای تبیین آیات از دانش منطق اصطلاحات آن نیز سود برده است. گرچه دامنه بهره‌گیری وی از این اصطلاحات گسترده نیست، به‌کارگیری آن، از یک سو، گویای اطلاعات گسترده وی و از سوی دیگر، نمونه عینی از کارآمدی منطق در

۱. ر.ک: احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ج ۲، ص ۱۱۹؛ ج ۳، ص ۱۲۱، ۳۲۴ و ۳۵۰.

۲. ر.ک: همان، ج ۲، ص ۱۶۷.

۳. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۳۰۴؛ ج ۳، ص ۶۳.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۵۹.

۵. همان، ج ۲، ص ۹۳.

۶. برای نمونه‌ها ر.ک: همان، ج ۱، ص ۳۱۰؛ ج ۳، ص ۳۱۵ و ۳۱۶.

تبیین آیات قرآن کریم است. از آیات مربوط به باب نکاح، آیه ﴿و الذین هم لفروجهم حافظون﴾ إلا علی أزواجهم أو ما ملکت أیمانهم فإنهم غیر ملومین است. در این آیات، ازدواج و ملک یمین، دو سبب جداگانه برای اباحه بهره‌جویی از زنان شمرده شده است. آیا این دو در کنار هم نیز سبب اباحه می‌شود؟ مثلاً فردی تنها مالک نیمی از رقبه یک کنیز است و نیم دیگر از او، ملک غیر یا آزاد است. آیا عقد (در نیم رقبه آزاد) و ملک یمین (در نیم دیگر) در کنار هم، سبب اباحه کنیز برای مالک خواهد بود؟

جزایری با استناد به اصطلاحات منطقی به بررسی مسئله می‌پردازد و می‌نویسد:

مفاد آیه، قضیه منفصله حقیقه است؛ گرچه در چنین قضیه‌ای، منع جمع (اجتماع دو امر محال، ولی رفع هر دو جایز) و منع خلو (رفع هر دو امر محال، ولی اجتماع هر دو جایز) وجود دارد. اما در این جا، منع جمع، متیقّن و منع خلو، تنها در حدّ یک احتمال است؛ بنابراین، با توجه به اهمیت نکاح، در گزینش میان این دو، باید از احتمال دست کشید و به قدر متیقّن حکم بسنده کرد و گفت: عقد و ملک یمین در کنار هم ممکن نیست سبب اباحه بهره‌جویی از کنیز تلقی گردد.^۱

قلائد الدرر و علوم قرآنی

آگاهی از علوم قرآنی که به بحثهای مقدماتی به شناخت قرآن و پی‌بردن به شئون مختلف آن می‌پردازد، از ابزارهای لازم برای دستیابی به معارف قرآنی به شمار می‌رود. ضرورت این آگاهی، بدین سبب است که تا قرآن کاملاً شناخته نشود، دستیابی و نمایاندن محتوای آن، میسر نخواهد بود. با مطالعه *قلائد الدرر* درمی‌یابیم که جزایری به اندازه مقبولی از آگاهی و تسلط بر مباحث علوم قرآنی برخوردار بوده و توانسته است در این اثر، به طور شایسته از آن بهره‌گیرد. برخی از عنوانهای علوم قرآنی در *قلائد الدرر* بدین قرار است: نسخ، اسباب نزول و اختلاف قرائت که به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱. مؤنون/ ۵-۶.

۲. احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۳، ص ۵۹.

۱. نسخ

نسخ، از عنوانهای پرکاربرد علوم قرآنی در تفسیر موضوعی آیات الاحکام و نیز تأثیرگذار در استنباطهای فقهی است؛ بنابراین، آگاهی دقیق مفسر یا فقیه از زوایای مختلف اصطلاح نسخ و توانایی در به کارگیری درست آن، از اهمیت بالایی برخوردار است.

جزایری از میان انواع نسخ، نسخ حکم بدون نسخ تلاوت را می‌پذیرد. وی ذیل آیه «إِنَّ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مَاتِينَ»^۱ می‌نویسد: «حکم پیشین در آغاز اسلام معتبر بوده است، ولی پس از مدتی برداشته شد... از این گونه نسخ، به «النسخ لا التلاوی» تعبیر می‌شود»^۲.

وی روایاتی را که بر وقوع نسخ حکم و تلاوت دلالت دارد، حمل بر تقیه می‌کند.^۳ جزایری در به کارگیری اصطلاح نسخ دقت کرده و اصطلاحات نزدیک به نسخ را به جای آن به کار نبرده است. او نسخ آیه «قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ»^۴ را به آیه «قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً»^۵ نمی‌پذیرد و می‌نویسد: «گفتار برخی «آیه دوم، نسخ آیه نخست است، درست نیست؛ زیرا آیه نخست بیانگر ترتیب جنگ است؛ بنابراین، این آیه، مقید آیه دوم خواهد بود»^۶ او همچنین یادآور می‌شود که استفاده از واژه نسخ به معنای تخصیص، امری رایج در سخنان امامان معصوم علیهم‌السلام است.^۷

جزایری نسخ سنت با کتاب را روا می‌داند. او ذیل آیه «أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثَ إِلَى نِسَائِكُمْ»^۸ به جواز این نوع از نسخ اشاره می‌کند^۹ و نیز ذیل آیه «وَمَنْ

حيث خرجت فول وجهك شطر المسجد الحرام»^۱ نوشته است:

آیه نسخ حکم توجه به بیت المقدس است و این، خود، نمونه‌ای از نسخ سنت با کتاب است؛ زیرا توجه به بیت المقدس به گونه روشنی در قرآن کریم یاد نشده است.^۲

جزایری نسخ چند آیه با یک آیه را روا می‌داند و ذیل آیه «و اقتلوهوم حيث ثقتموهوم»^۳ می‌آورد: «این آیه، نسخ تمامی آیاتی است که در برخورد مسلمانان با کافران دستور خویشتن‌داری را داده است»^۴.

جزایری به آسانی وقوع نسخ را نمی‌پذیرد و برای آن، دلایلی را ذکر می‌کند؛ برای نمونه، ذیل آیه «و من كان فقيراً فليأكل بالمعروف»^۵ می‌نویسد:

آنچه عیاشی در تفسیرش از رفاعه درباره نسخ آیه «ومن كان فقيراً فليأكل بالمعروف» گزارش کرده است، پذیرفتنی نیست؛ زیرا با ظاهر آیه و صریح روایت ناسازگار است.^۶

۲. اسباب نزول

نزول قرآن کریم تدریجی و در برخی آیات به دنبال رخدادی ویژه بوده است؛ از این رو، برای دانستن معنا و تفسیر کامل آیات به آگاهی از سبب نزول آنها نیازمندیم، اما ایرادهایی مانند ضعف سندی و تضاد دلالتی روایات موجود، راه دست‌یابی به شأن نزول درست را ناهموار می‌سازد؛^۷ بنابراین، چگونگی، نقل، پذیرش، رد یا نقد این روایات، عنصر تعیین‌کننده‌ای در ارائه معنای درست آیه و میزان درستی کار مفسر به شمار می‌رود.

جزایری به دنبال بسیاری از آیات با تکیه بر منابع مختلف، به نقل اسباب نزول

۱۲۴

۱۲۳

مجله تخصصی الهیات و حقوق پاییز ۱۳۸۴ / شماره ۱۷

نگاهی به تفسیر فقهی قلاد الدرر... پژوهشها

پرتال جامع علوم انسانی و مقالات

۱. انفال / ۶۵.

۲. احمد جزایری، قلاند الدرر، ج ۲، ص ۱۵۷.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۵۸.

۴. توبه / ۱۲۳.

۵. توبه / ۳۶.

۶. احمد جزایری، قلاند الدرر، ج ۲، ص ۱۵۳.

۷. ر.ک: همان، ج ۳، ص ۱۲۰.

۸. بقره / ۱۸۷.

۹. احمد جزایری، قلاند الدرر، ج ۱، ص ۳۶۸.

۱. بقره / ۱۵۰.

۲. احمد جزایری، قلاند الدرر، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۱۵.

۳. بقره / ۱۹۱.

۴. احمد جزایری، قلاند الدرر، ج ۲، ص ۱۵۲.

۵. نساء / ۶.

۶. احمد جزایری، قلاند الدرر، ج ۱، ص ۳۰۶؛ ج ۲، ص ۳۶۵؛ ج ۳، ص ۲۴۸.

۷. ر.ک: محمد هادی معرفت، التمهید، ج ۱، ص ۲۴۵.

آنها می‌پردازد. او گزارشهای خود را در اسباب نزول به نقل از منابع تفسیری مانند تفسیر قمی، تفسیر عیاشی، مجمع البیان و منابع حدیثی چون تهذیب الاحکام، عیون اخبار الرضا علیه السلام و من لایحضره الفقیه ذکر می‌کند. کتابهایی مانند اسباب نزول واحدی، تفسیر کشاف و تفسیر بیضاوی نیز از منابع جزایری در گزارش اسباب نزول است و در برخی موارد با تکیه بر این منابع، به نقد دیدگاههای اهل سنت نیز می‌پردازد.^۱

وی در گزارش اسباب نزول روئے یکسانی را در پیش نگرفته است. گاهی ذیل یک آیه، روایات متعددی را می‌آورد؛ برای نمونه، ذیل آیه ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَارًا﴾^۲ چهار گزارش را نقل می‌کند؛^۳ بدین صورت که گاهی نخست، چکیده روایت را به دست می‌دهد؛ برای مثال، ذیل آیه ﴿أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ﴾^۴ می‌نویسد: «آیه درباره زید بن حارثه کلبی و ماجرای او با همسرش، زینب بنت جحش، نازل شده است»، سپس با استناد به روایات مختلف، در سه صفحه به نقل مفصل سبب نزول آیه می‌پردازد.^۵ زمانی دیگر، به نقل یک روایت بسنده می‌کند؛ مثلاً ذیل آیه ﴿لَا يَجْزِيكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ﴾^۶ به نقل از مجمع البیان تنها یک گزارش را ذکر می‌کند.^۷

جزایری در نقل اقوال مختلف، گاهی اختلافات جزئی میان آنها را (که به تضاد دلالتی نمی‌انجامد) نیز یادآور می‌شود؛ برای نمونه، در موردی پس از یاد کردن چند سبب نزول می‌نویسد: «میان روایتهای نقل شده، ناهماهنگی و تنافی وجود دارد، اما به نظر می‌رسد زدودن آن چندان مشکل نیست».^۸

۱. احمد جزایری، قلاند الدرر، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲. توبه / ۱۰۷.

۳. احمد جزایری، قلاند الدرر، ج ۱، ص ۱۴۸؛ ج ۲، ص ۲۱۸؛ ج ۳، ص ۲۰۳.

۴. احزاب / ۳۷.

۵. احمد جزایری، قلاند الدرر، ج ۳، ص ۲۱۲-۲۱۴.

۶. مائده / ۴۱.

۷. احمد جزایری، قلاند الدرر، ج ۲، ص ۱۳۹؛ ج ۳، ص ۸۳، ص ۶۴.

۸. همان، ص ۲۱۵.

جزایری از نزول آیه، در تبیین معنای آیه و استنباط احکام فقهی بهره می‌برد. وی در پی آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ﴾^۱ می‌نویسد: «این آیه به اعتبار سبب نزولش، بیانگر ثبوت حکم رجم است».^۲ گاهی نیز در استوارسازی استنباط فقهی از سبب نزول بهره می‌گیرد؛ برای نمونه، ذیل آیه ﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ﴾^۳ می‌نگارد:

ظاهر اطلاق موجود در آیه، استحباب انفاق تمامی اموال از سوی فرد انفاق‌کننده است؛ سبب نزول نیز به این معنا اشاره دارد، اما آیات دیگر، گویای آن است که میانه‌روی در بخشش مستحب است.^۴

وی از سبب نزول در تأیید برداشتهای ادبی نیز استفاده می‌کند؛ برای نمونه، در تبیین وجوه ادبی آیه ﴿يَسْتَفْتُونَكَ قُلُوبُ اللَّهِ يَفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ﴾^۵ می‌آورد:

ممکن است معنای آیه چنین باشد: «از تو درباره «کلاله» می‌پرسند». گرچه این عبارت در آیه نیامده است، پاسخ موجود در آن، گویای پرسش محذوف است. سبب نزول نیز گواه درستی این سخن است؛ چراکه در سبب نزول آن آمده است: جابر بن عبدالله بیمار بود و رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عیادت او تشریف بردند. او از حضرت صلی الله علیه و آله درباره کلاله پرسید...^۶

۳. اختلاف قرائت

قرائت، همان تلاوت و خواندن قرآن کریم است و در اصطلاح، به گونه‌ای از تلاوت قرآن اطلاق می‌شود که ویژگی خاصی دارد. گرچه قرآن دارای نص واحدی است، هر یک از قرائتهای آن بر اساس اجتهاد یکی از قراء سبعة استوار است. جزایری به دنبال بسیاری از آیات، قرائتات مختلف آنها را می‌نگارد؛ بدین صورت که گاهی نام قاری، گاهی آدرس منبع آن و گاهی تنها گزارش اقوال را

۱. مائده / ۴۱.

۲. احمد جزایری، قلاند الدرر، ج ۳، ص ۳۶۴.

۳. بقره / ۲۷۴.

۴. احمد جزایری، قلاند الدرر، ج ۱، ص ۳۰۴؛ ج ۲، ص ۲۹.

۵. نساء / ۱۷۶.

۶. احمد جزایری، قلاند الدرر، ج ۳، ص ۳۴۳.

بیان می‌کند.^۱

وی در برخی موارد نیز قرائت مشهور را از غیر آن جدا می‌کند؛ برای نمونه، به دنبال آیه «و ما علمتم من الجوارح مکلبین»^۲ می‌نویسد: «قرائت مشهور در آیه، «مکلبین» به صورت مشدد است.... از ابن عباس، ابن مسعود و حسن، قرائت این واژه، بدون تشدید روایت شده است».^۳

تبیین و توضیح وجوه مختلف قرائات با تکیه بر جنبه ادبی آنها، ورود در معركة آراء و گزینش همراه با استدلال و سرانجام، استوارسازی استنباط احکام فقهی با قرائت برگزیده از دیگر ویژگی‌های این کتاب است؛ برای نمونه، جزایری به دنبال آیه «فاعتزلوا النساء فی المحیض»^۴ با تکیه بر قرائت مشهور می‌نویسد: «پایان زمان حرام بودن نزدیکی با زن در حال حیض هنگامی است که دیگر خون نبیند؛ هر چند غسل نکرده باشد».^۵

او استنباط فقهی دیگران را نیز که با استناد به وجوه قرائت بیان شده است، به دقت نقل و نقد می‌کند؛ برای نمونه، ذیل آیه «یستلونک عن المحیض»^۶ می‌نویسد: «شیخ در تهذیب با استناد به قرائت مشدد، به امکان استنباط وجوب غسل حیض از قرآن، حکم داده است، اما وجه این سخن روشن نیست».^۷

منابع کتاب قلائد الدرر

جزایری در کتاب خود، از منابع معتبر و متعدد سود برده و بیش از هفتاد منبع را ذکر کرده است. اعتبار علمی در کنار قدمت منابع، سبب کامیابی او شده و نگاشته‌اش را سزاوار تحسین کرده است. باید گفت، موضع جزایری در استفاده از منابع منفعلانه

۱. ر.ک: همان، ج ۲، ص ۲۱۹، ۲۴۴، ۲۸۲؛ ج ۳، ص ۶۳، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۴۶ و ۲۷۰.
۲. مائده/ ۴.
۳. احمد جزایری، قلائد الدرر، ج ۳، ص ۳۰۲-۳۰۳.
۴. بقره/ ۲۲۲.
۵. احمد جزایری، قلائد الدرر، ج ۱، ص ۴۹.
۶. بقره/ ۲۲۲.
۷. احمد جزایری، قلائد الدرر، ج ۱، ص ۵۱.

نیست، بلکه با دقت فراوان به گزینش از آنها، نقل و نقد آنها می‌پردازد. این منابع، در چهار موضوع تفسیر، حدیث، فقه و ادب است.

۱. منابع تفسیری

جزایری در زمینه‌های واژه‌شناسی، علوم قرآنی و توضیحات تفسیری از منابع تفسیری استفاده کرده است. برخی از این منابع عبارت است از:

قرن دوم: تفسیر ابو حمزه ثمالی؛

قرن چهارم: تفسیر عیاشی و تفسیر قمی؛

قرن پنجم: الکشف و البیان، التبیان و اسباب النزول واحدی؛

قرن ششم: الکشاف، مجمع البیان و جوامع الجامع؛

قرن هفتم: انوار التنزیل و اسرار التأویل؛

قرن نهم: کنز العرفان فی فقه القرآن.

در میان منابع تفسیری، بیشترین ارجاعات جزایری به سه کتاب تفسیر مجمع البیان، تفسیر عیاشی و تفسیر قمی است. کتاب کنز العرفان فی فقه القرآن، از جمله کتابهای آیات الاحکام است که جزایری از آن استفاده کرده و در برخی موارد نیز به نقد آن پرداخته است.

۲. منابع رجالی و حدیثی

برجسته‌ترین بخش قلائد الدرر، بخش روایی آن است. جزایری مطالب این قسمت را با تکیه بر بیش از سی منبع تنظیم کرده است که مهم‌ترین آنها بدین قرار است:

قرن اول: صحیفه سجادیه؛

قرن سوم: صحیح بخاری، صحیح مسلم، المحاسن برقی و سنن الترمذی؛

قرن چهارم: قرب الاسناد، الکافی، الروضی، عیون اخبار الرضا، ثواب الاعمال، النخصال، علل الشرائع، التوحید، معانی الاخبار، روضی المتقین، من لا یحضره الفقیه، کمال الدین و تمام النعمی، امالی و الرجال (کشی)؛

قرن پنجم: نهج البلاغی، روضی الواعظین و رجال النجاشی؛

قرن ششم: الخرائج و الجرائح و الاحتجاج؛

قرن هفتم: *النهایی فی غریب الحدیث و امان الاخطار*؛
قرن هشتم: *خلاصی الاقوال و ارشاد القلوب*؛
قرن نهم: *غوالی اللثالی*.

۳. منابع فقهی

جزایری در تدوین مباحث فقهی نیز از منابع فراوان استفاده کرده است. در موارد فراوانی نیز تنها به ذکر اقوال پرداخته و نشانی منبع را یاد نکرده است. برخی منابع فقهی او چنین است:

قرن چهارم: *المقنع*؛

قرن پنجم: *المقنعه، الانتصار، العدی، المبسوط فی فقه الامامیه، تهذیب الاحکام، النهایی، الخلاف و الجمل*؛

قرن ششم: *السرائر و المختلف*؛

قرن هفتم: *سرائع الاسلام و المعتبر فی شرح المختصر*؛

قرن هشتم: *تحریر الاحکام، قواعد الاحکام، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*،

تذکری الفقهاء، الدروس الشرعی و ایضاح الفوائد فی شرح القواعد؛

قرن دهم: *مسالك الافهام و شرح اللمعی الدمشقی*؛

قرن یازدهم: *نهایی المرام*.

۴. منابع ادبی

جزایری در پی جویی نکته‌های ادبی از منابع گوناگون سود می‌برد. در برخی مواضع تنها به یادکرد نام صاحبان اقوال بسنده می‌کند. ادیبان نامور و متبحری، مانند کسائی، خلیل، مبرد، سیبویه، زجاج، فراء، اخفش، ابن سکیت اهوازی، موهوب بن خضر جوالبی، محمد بن عباس یزیدی نحوی، سعد بن اوس بن ثابت معروف به ابو زید، ابن اعرابی و سرانجام، ابن قویطیه افرادی هستند که جزایری به اقوال آنان استناد می‌کند. افزون بر این، وی از بحثهای لغوی *مجمع البیان* و *کشاف* نیز بهره می‌برد. جزایری در بیشتر موارد نام منابع ادبی را یاد می‌کند. نکته جالب توجه در این منابع قدمت آنهاست که نزدیک‌ترین آنها به عصر جزایری، چهار قرن فاصله

زمانی دارد. این منابع عبارت است از:

قرن چهارم: *جمهری اللغی، تهذیب اللغی، تاج اللغی و مجمل اللغی*؛

قرن هفتم: *القاموس المحيط، مفتاح العلوم، العباب الزاهر و اللباب الفاسخ و*

الصناعات البدیعی؛

قرن هشتم: *المصباح المنیر*.

ارزیابی نهایی اثر

کتاب *قلائد الدرر* از آثار برجسته شیعه در آیات الاحکام است که با توجه به امتیازهایی که دارد، شایان توجه بیشتر است. آقای احمد حسینی درباره ویژگیهای این اثر، در مقدمه آن می‌نویسد:

چینش نیکوی مطالب، پیوند منطقی بخشهای مختلف با یکدیگر، روانی تعبیرها، یادکرد نظرات دانشمندان برجسته شیعی و سنی، پرهیز از دراز نویسی و... این کتاب را از آثار همانند خود، متمایز می‌کند.^۱

امتیازهای کتاب عبارت است از: ارائه نمونه معتدل و مقبول از تفسیر روایی، پر محتوا بودن کتاب، تسلط مؤلف به موضوع بحث و استفاده از اندوخته‌های فراوان، همه‌جانبه‌نگری و سود بردن از علوم مرتبط، پر منبع بودن، یادکرد نام و نشانی منابع، دقت در نقل آرای دیگران، روانی و استواری متن، ایجاز در جملات با حفظ محتوا، چینش درست ابواب، نقل آراء مختلف و گزینش یا ارائه نظر برتر، قوت استدلال، انصاف و حق‌مداری مؤلف، دوری از تعصب و تقلید کورکورانه و... وجود غلطهای چاپی، ارجاع نادرست برخی آیات، فقدان فهرست مطالب و مآخذ، پرداختن فراوان به استطرادات فقهی از کاستیهای این اثر است.

۱. احمد جزایری، *قلائد الدرر*، ج ۱، ص ۵.